



Methodologies for Identifying Taqiyyah (Dissimulative)-Based Narrations by Shaykh al-Ḥurr al-ʿĀmilī in Wasāʾil al-Shīʿah

Kazem Yazdani¹ | Sayyed Ali Sajjadizadeh² | Mohammad Hassan Rabbani Birjandi³

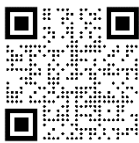
1. Corresponding Author, Level 4 Graduate, Khorasan Seminary, Mashhad, Iran. E-mail: kazem64112@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Qurʿan and Hadith Studies, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. E-mail: sajjadizadeh@razavi.ac.ir
3. Professor of Dars-e Khārij, Khorasan Seminary, Mashhad, Iran.

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 12 October 2025
Accepted: 28 January 2026
Available online 09
February 2026

Keywords:
Shaykh al-Ḥurr al-ʿĀmilī,
Wasāʾil al-Shīʿah,
Taqiyyah, Internal and
External Qarāʾin, Hadith,
Fiqh al-Ḥadīth.



ABSTRACT

Shaykh al-Ḥurr al-ʿĀmilī, congruent with numerous other traditionalists (muḥaddithūn), was concerned with distinguishing authentic ḥadīths from Taqiyyah (Dissimulative)-based narrations during the compilation of Wasāʾil al-Shīʿah. Utilizing the expertise of his predecessors and reflecting on factors detrimental to the precise hermeneutics of traditions, he designed methodologies for this objective and utilized them in the composition of Wasāʾil. The identification of existing qarāʾin (contextual clues), both internal and external to the narrations, constitutes the most significant of these methodologies. By identifying internal qarāʾin regarding both isnād (chain of transmission) and matn (textual content), he addressed the identification of traditions issued on the basis of Taqiyyah. In discerning Taqiyyah from the matn, al-Ḥurr al-ʿĀmilī accorded particular significance to specific linguistic expressions or the mukātabah (epistolary) nature of the ḥadīth. To identify Taqiyyah-based narrations, in addition to internal clues, he sought assistance from external qarāʾin. Concordance with the ʿĀmmah (Sunni majority), discordance with the Quran, contradiction of the necessities of religion, explicit mention of Taqiyyah in another narration, and divergence from the ijmaʿ (consensus) of Shīʿah scholars are among the external clues utilized for this purpose. It is inferred that Shaykh al-Ḥurr established the framework for the precise identification of Taqiyyah-based narrations in this work through these clues, thereby resolving numerous contradictions and incomplete interpretations. This ensures that those who interested in narrations may achieve a correct and precise understanding of the text and distinguish Taqiyyah-based narrations from others.

Cite this article: Yazdani, K.; Sajjadizadeh, S., A.; Rabbani Birjandi, M., H. (2025). Methodologies for Identifying Taqiyyah (Dissimulative)-Based Narrations by Shaykh al-Ḥurr al-ʿĀmilī in Wasāʾil al-Shīʿah. *Hadith Doctrines*, 9(18), 59-82. <https://doi.org/10.30513/hd.2026.2230>



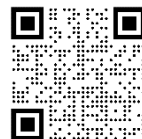


راهکارهای شناسایی احادیث تقیه‌ای توسط شیخ حر عاملی در کتاب وسایل الشیعه

کاظم یزدانی^۱ | سید علی سجادی زاده^۲ | محمدحسن ربانی بیرجندی^۳

۱. نویسنده مسئول، دانش‌آموخته سطح چهار، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: kazem64112@gmail.com
۲. استادیار، گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: sajjadzadeh@razavi.ac.ir
۳. استاد درس خارج، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران.

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|---|--|
| <p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، تقیه، قرائن داخلی و خارجی، حدیث، فقه الحدیث.</p> | <p>شیخ حر عاملی (ره) همچون بسیاری دیگر از محدثان، در زمان نگارش وسائل الشیعه دغدغه شناسایی احادیث صحیح را از روایات تقیه‌ای داشته است. ایشان با دارا بودن تجربه پیشینیان و تفکر در موارد آسیب‌زا به فهم دقیق روایات، راهکارهایی برای این مهم طراحی و در نگارش کتاب وسایل از آن‌ها بهره جسته است. شناسایی قرائن موجود، اعم از داخل روایات و خارج روایت، از اهم این راهکارها است. ایشان با شناسایی قرائن داخل روایت، چه از حیث سند و چه از حیث متن، به شناخت احادیث صادرشده بر مبنای تقیه پرداخته است. حر عاملی (ره) در شناخت احادیث تقیه از روی متن، به تعبیر موجود در روایت یا مکاتبه‌ای بودن حدیث توجه ویژه‌ای داشته است. او برای شناسایی روایات تقیه‌ای، علاوه بر شناخت قرائن درون متنی، به قرائن خارج از متن استمداد جسته است. موافقت با عامه، مخالفت با قرآن، مخالفت با ضروری دین، تصریح روایت دیگر به تقیه‌ای بودن روایت، مخالفت با اجماع علمای شیعه از جمله قرائن خارج از متن است که ایشان برای این مهم از آن‌ها بهره برده است. این‌طور برداشت می‌شود که شیخ (ره) با کمک همین قرائن، مراحل شناخت دقیق روایات تقیه‌ای را در این کتاب پایه‌ریزی کرده و بسیاری از تعارضات و فهم‌های ناقص از روایت را مرتفع ساخته است تا علاقه‌مندان به روایات بتوانند فهم صحیح و دقیقی از متن پیش روی خود داشته باشند و روایات تقیه‌ای را از غیر آن تمییز دهند.</p> |
| <p>استناد: یزدانی، کاظم، سجادی زاده، سید علی، ربانی بیرجندی، محمدحسن. (۱۴۰۴). راهکارهای شناسایی احادیث تقیه‌ای توسط شیخ حر عاملی در کتاب وسایل الشیعه، ۹ (۱۸)، ۵۹-۸۲. https://doi.org/10.30513/hd.2026.2230</p> | |
| <p>ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.</p> | <p>© نویسنندگان.</p> |



مقدمه

وجود فضای وحشت و رعب، نبود آزادی‌های فکری و دینی از یک سو و ترس از به خطر افتادن دین و جان شیعیان از سوی دیگر، ائمه اطهار (ع) را مجبور به صدور روایاتی برخلاف عقیده و مذهب خود کرده است؛ که این روایات به احادیث تقیه‌ای معروف گردیده‌اند.

وجود احادیث تقیه‌ای در میان احادیث صحیح، این گمان را پدید می‌آورد که چه دلیلی وجود دارد که احادیث صحیح هم از روی تقیه صادر نشده باشد. حدیث شناسان با الهام از این روایت امام صادق (ع) که فرمود: «أَنْتُمْ أَفْقَهُ النَّاسِ إِذَا عَرَفْتُمْ مَعَانِيَ كَلَامِنَا» (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۱)؛ «شما داناترین مردم هستید اگر معانی کلام ما را بشناسید» و همچنین روایت دیگری از ایشان: «حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ تَزْوِيهِ، وَلَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَقِيهَا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا، وَإِنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ كَلِمَاتِنَا لَتَنْصُرِفَ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا، لَنَا مِنْ جَمِيعِهَا الْمَخْرُجُ» (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۲)؛ «حدیثی که آن را بفهمی بهتر از هزار حدیث است که صرفاً روایت کنی، و هیچ‌یک از شما فقیه نخواهد بود مگر اینکه نکته سنجی‌های کلام ما را بشناسد؛ و همانا یک کلمه از کلمات ما بر هفتاد وجه حمل می‌شود که ما را از همه آنها راه خروج است» به دنبال راهکارهایی برای شناخت این دسته از روایات گشته‌اند. هر محدثی بنا به اقتضائات فهم و زمان خویش، روش‌هایی را برای فهم و کشف روایات تقیه‌ای پدید آورده است. در این میان، شیخ حر عاملی (ره) در کتاب وسائل الشیعه با درک این مهم که فهم ناصحیح یک روایت تقیه‌ای می‌تواند آسیب‌زا باشد، روش‌هایی را برای حل این مشکل طراحی، ترسیم و در کتاب وسائل الشیعه اجرایی کرده است. در واقع این تحقیق در صدد کشف راهکارها و روش‌های ایشان در شناخت روایات تقیه‌ای است تا با الگوگیری از آن‌ها بتوان به شناخت احادیث تقیه‌ای رسید، بلکه به فهم دقیقی از روایات نیز دست پیدا کرد. نکته حائز اهمیت در بحث تقیه این است که اگر روایتی اتصال و صدور آن از معصوم (ع) محرز نباشد، قطعاً داخل در بحث تقیه نیست؛ چراکه تقیه در مواردی است که اتصال و صدور از امام معصوم (ع) قطعی باشد.

با وجود مطالعات موجود در حوزه اندیشه‌های حدیثی شیخ حر عاملی (ره)، موضوع تقیه به‌عنوان یک مفهوم کلیدی در نظام فقهی-حدیثی وی، کمتر مورد تحلیل متمرکز و همه‌جانبه قرار گرفته است. بررسی پیشینه نشان می‌دهد اگرچه اشاره‌هایی پراکنده در برخی آثار مرتبط با روش‌شناسی فهم حدیث ایشان به چشم می‌خورد، اما شکاف آشکاری در ارائه پژوهشی یکپارچه و عمیق با محوریت «تقیه‌انگاری» در اندیشه وی به چشم می‌خورد. این خلأ، لزوم انجام مطالعه‌ای نظام‌مند را جهت تبیین ابعاد نظری و تطبیقی این مفهوم در آثار شیخ حر عاملی (ره) ایجاب می‌کند.

۱. تقیه

دین مبین اسلام و خاندان وحی بعد از پیامبر گرامی اسلام (ص) به غیر از دوران چهارسال و نه ماهه خلافت امیرالمؤمنین (ع) هیچ‌گاه نتوانست حکومتی در دست داشته باشد (پیشوایی، ۱۳۷۸، ص ۸) و مدام توسط حاکمانی که نام اسلام را یدک می‌کشیدند، در مواجهه با خطر تهاجم فکری و جانی بوده‌اند.

تقیه را می‌توان در شمار مهم‌ترین عواملی دانست که موجب حفظ جان و کیان تشیع شده است؛ چراکه فضای اختناقی که حاکمان جور به وجود آورده بودند، ارائه هر گونه روایت را با سختی مواجه کرده بود و ائمه معصومین (ع) بنا به مصالحی مجبور به صدور روایاتی که مخالف با نظر و رفتار ایشان بوده است می‌شدند. به همین جهت، تقیه را هرچند که یک رفتار طبیعی بشری است و در عرف اکثر اقوام و ملل در سراسر تاریخ سابقه دارد، می‌توان جزء اعتقادات کلامی و فقهی شیعه دانست و عملکرد تاریخی آن جهت حفظ موجودیت شیعه در برابر اکثریت فرق اسلامی یا غیرمسلمان محسوب می‌گردد.

در چنین شرایطی، ائمه (ع) به سبب اختناق موجود با در نظر گرفتن مصالح، گاه از بیان حکم واقعی صرف نظر می‌نمودند و پاسخ افراد را بر اساس اعتقادات مخاطب یا طبق اعتقاد افراد حاضر در جلسه یا بر مبنای باور افرادی که حدیث به دستشان می‌رسیده، می‌دادند. در چنین شرایطی فهم صحیح حدیث و استنباط حکمی از آن، مبتنی بر مشخص شدن علت صدور حدیث است که آیا سخن امام

برای بیان حکم واقعی صادر شده است یا جهات دیگری دارد؛ مانند تقیه که در آن مراد اصلی معصوم (ع) پنهان است و آنچه از ظاهر متن فهمیده می‌شود، قابل استناد و عمل نمی‌باشد (دلبری، ۱۳۹۱، ص ۵۳۰).

بی‌شک صدور روایات تقیه‌ای موجب تعارضات گوناگونی میان روایات و فهم صحیح حدیث شده است. عالمان، فقیهان و اصولیان بسیاری با تأکید بر این مطلب، تقیه را یکی از عوامل تعارضات در روایات پنداشته‌اند؛ حتی بعضی از آنان تصریح می‌کنند که علت اصلی و مهم‌ترین دلیل تعارضات در اخبار، همین روایات تقیه‌ای است.

ادله جواز تقیه هم در آیات (نحل/ ۱۰۶؛ غافر/ ۲۸؛ کهف/ ۱۹؛ انعام/ ۱۱۹؛ بقره/ ۱۹۵) و هم در روایات متعددی آمده است؛ مانند روایت حضرت علی (ع) که ایشان فرمودند: «التَّقِيَةُ مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْمُؤْمِنِ، يَصُونَ بِهَا نَفْسَهُ وَ إِخْوَانَهُ عَنِ الْفَاجِرِينَ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۶، ص ۲۲۱)؛ «تقیه از برترین اعمال مؤمن است که به وسیله آن، خود و برادرانش را از [شر] بدکاران حفظ می‌کند».

به هر حال، منظور از تقیه در لغت، نگهداری و صیانت نفس از ضرر و زیان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۳۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۴۰۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۹۳؛ فیومی، ۱۴۱۶، ص ۶۷۰) که از ماده «وَقَى» گرفته شده و واو آن به تاء تبدیل شده است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۵۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۳۰۴).

اما برای تقیه در اصطلاح، تعاریف متعدد و گوناگونی ذکر شده که همگی حول یک معنا است. از این رو به ذکر بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

شیخ طوسی در تعریف تقیه می‌گوید: «التَّقِيَةُ قَوْلُ الْحَقِّ خِلَافَ مَا يُضْمِرُهُ الْإِنْسَانُ لِخَوْفٍ يَكُونُ عَلَى نَفْسِهِ، فَإِنْ كَانَ قَوْلُ الْبَاطِلِ فَهُوَ مِنَ التَّفَاقُحِ» (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۵۲)؛ «تقیه گفتن سخن حق است برخلاف آنچه انسان در دل پنهان می‌کند به دلیل ترسی که بر جان خود دارد؛ ولی اگر گفتن سخن باطل باشد، از دورویی و نفاق است».

شیخ مرتضی انصاری نیز در تعریف تقیه می‌گوید: «حِفْظُ النَّفْسِ عَنْ ضَرَرِ الْغَيْرِ بِمُؤَافَقَتِهِ فِي قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ» (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۶۸)؛ «حفاظت از خود در مقابل ضرر

دیگری، با همراهی کردن با او در گفتار یا کردار».

در میان معاصران نیز نعمت‌الله صفری (ره) می‌گوید: «التَّقِيَةُ إِخْفَاءُ الْحَقِّ عَنِ الْغَيْرِ أَوْ إِظْهَارُ خِلَافِهِ لِمُصْلِحَةٍ أَقْوَى» (صفری، ۱۳۸۱، ص ۵۱)؛ «تقیه پنهان کردن حق از دیگری یا اظهار خلاف آن برای مصلحتی قوی‌تر است».

پاره‌ای از فرهنگ‌نویسان زبان و ادبیات فارسی، در برگرداندن آن به فارسی دچار اشتباهاتی شده‌اند؛ برای نمونه تقیه را به معنای «پرهیز» و «پنهان کاری» ترجمه کرده‌اند (معین، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۱۲۳؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۵، ص ۸۵۸). این در حالی است که معانی ذکر شده از لوازم تقیه است، نه معنای آن.

به‌طور کلی، اندیشمندان اسلامی اعم از شیعیان و اهل سنت، تعریف هماهنگی برای تقیه ذکر کرده‌اند؛ برای نمونه سیوطی آورده است: «فَالْتَّقِيَةُ بِاللِّسَانِ، مَنْ حُمِلَ عَلَى أَمْرٍ يَتَكَلَّمُ بِهِ وَهُوَ مَعْصِيَةٌ لِلَّهِ فَيَتَكَلَّمُ بِهِ مَخَافَةَ النَّاسِ وَ قَلْبُهُ مُظْمَنٌ بِالْإِيمَانِ، فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يُضَرُّهُ، إِنَّمَا التَّقِيَةُ بِاللِّسَانِ» (سیوطی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۶)؛ «تقیه با زبان است؛ کسی که بر انجام کاری وادار شود که سخنی بر زبان آورد که معصیت خداوند است، و او به خاطر ترس از مردم آن سخن را بر زبان راند در حالی که قلبش سرشار از ایمان باشد، این [کار] به او زیانی نمی‌رساند. تقیه تنها با زبان است».

حال که با مفهوم تقیه در واژگان شیعه آشنا شدیم، به روش‌شناسی شیخ حر عاملی (ره) در تقیه‌انگاری روایات در کتاب وسائل الشیعه می‌پردازیم.

۲. روش‌شناسایی احادیث تقیه‌ای

شیخ حر عاملی (ره) در کتاب وسائل الشیعه با فهم صحیح احادیث، روایات متعددی را حمل بر تقیه کرده است که شناخت این روش هوشمندانه می‌تواند چراغ راهی برای فهم روایات گوناگون باشد.

«قرائن تشخیص صدور حدیث تقیه‌ای را می‌توان به دو دسته قرائن داخلی و خارجی تقسیم نمود. قرائن داخلی گاهی در سند است و گاهی در متن؛ مانند مطالب موجود در متن روایت، مکاتبه‌ای بودن و اضطراب در روایت. قرائن خارجی عبارت‌اند از: موافقت اصحاب عامه، مخالفت با اجماع امامیه یا ضروریات مذهب» (دلبری، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴).

با استفاده از برخی روایات کتاب وسائل الشیعه به تبیین این موضوع می‌پردازیم.

۱-۲. قرائن داخلی

یکی از روش‌هایی که برداشت می‌شود شیخ حر، در سایه سار آن، به شناسایی روایات تقیه‌ای پرداخته است، قرینه‌های داخلی است؛ این موارد به قرینه سندی و متنی تقسیم می‌شود که در ادامه بدان اشاره می‌کنیم.

۱-۱-۲. قرینه سندی

«روش شیخ حر عاملی در شناسایی روایات تقیه‌ای با کمک قرائن داخلی سندی در واقع همان روش شیخ طوسی است. ایشان با درنگ در سند، وجود راویان عامه و زیدی‌مذهب را استخراج کرده و مواردی که این افراد سرسلسله راویان بوده‌اند را حمل بر تقیه کرده است. این بدان معنا نیست که اگر هر کجا شیخ حر (ره) در سلسله سند، راویان عامه مشاهده کرده باشد، آن روایت را حمل بر تقیه کند؛ بلکه بدان معنا است که روایتی که صدورش از امام معصوم (ع) قطعی است و با اینکه می‌توانسته سرسلسله سند راوی امامی باشد، امام (ع) بر غیر امامی روایت کرده، شیخ حر (ره) آن را دلیلی بر تقیه‌ای بودن آن دانسته است. به عبارت دیگر، گاهی در مجلسی، معصوم (ع) راویان غیر امامی نیز حضور داشته‌اند که امام از روی تقیه سخن رانده است و آن راوی غیر امامی در زنجیره سند حدیث، اولین راوی واقع شده است» (دلبری، ۱۳۹۱، ص ۵۳۷).

جهت تبیین بیشتر، نمونه‌هایی را از این دست ذکر می‌کنیم:

شیخ حر عاملی (ره) روایتی را از کتاب تهذیب و استبصار نقل می‌کند بدین شرح: «بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُفَّةَ عَنْ فَضْلِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عُمَارَةَ بْنِ أَبِي عُمَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (ع) أَمْسَحُ رَأْسِي بِبَلَلٍ يَدِي؟ قَالَ: خُذْ لِرَأْسِكَ مَاءً جَدِيداً» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۰۷)؛ «آیا سرم را با رطوبت دستم مسح کنم؟ فرمود: برای سرت آب تازه‌ای بگیر».

در این روایت از امام معصوم (ع) سؤال شده است که آیا مسح سر با رطوبت دست صحیح است؟ امام (ع) فرمودند: سرتان را با آب جدیدی مسح کنید. این در واقع همان فتوای اهل سنت است. مرحوم شیخ حر عاملی (ره) برای شناخت اینکه

آیا روایت از روی تقیه صادر شده است، به سند آن رجوع می‌کند و از قول شیخ طوسی بیان می‌کند: «قَالَ الشَّيْخُ: الْوَجْهُ فِيهِ أَيْضاً التَّقِيَّةُ لِأَنَّ رِوَايَةَ رِجَالِ الْعَامَّةِ وَالزَّيْدِيَّةِ»؛ این روایت از روی تقیه صادر شده است چراکه راویان آن عامه و زیدی هستند و امام این حکم را متناسب با آنان بیان فرموده است (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۰۷).

سرسلسله سند این روایت، احمد بن محمد بن سعید کوفی معروف به ابن عقده می‌باشد. ایشان زیدی مذهب و جارودی مسلک بوده و تا زمان وفات بر آن باقی مانده است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۷۳؛ نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۹۴). لذا از آنجایی که این روایت همگام با فتوهای اهل سنت می‌باشد، ایشان با بهره‌جستن از سند روایت به تقیه‌ای بودن روایت حکم کرده‌اند.

«وَعَنْهُ عَنْ أَنَسِ بْنِ عِبْيَاضٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَ: لَا تَصُومُوا يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَّا أَنْ تَصُومُوا قَبْلَهُ أَوْ بَعْدَهُ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۴۱۳)؛ «روز جمعه را روزه نگیرید مگر اینکه پیش از آن یا پس از آن را [همراه با آن] روزه بگیرید».

در این روایت، ابوهریره از رسول گرامی اسلام (ص) نقل می‌کند که در روز جمعه روزه نگیرید مگر آنکه قبل یا بعد آن روزه گرفته باشید. شیخ حر عاملی (ره) با تأسی از شیخ طوسی می‌گوید: «قَالَ الشَّيْخُ: هَذَا طَرِيقُهُ رِجَالُ الْعَامَّةِ لَا يَعْمَلُ بِهِ. أَقُولُ: هُوَ مَعَ ذَلِكَ يَحْتَمِلُ التَّنَسُّخَ وَالتَّأْوِيلَ بِإِزَادَةِ نَفْيِ الْوُجُوبِ، وَ يَكُونُ الْإِسْتِثْنَاءُ مُنْقَطِعاً أَوْ الْكِرَاهَةَ أَوْ نَفْيَ تَأْكِدِ الْإِسْتِحْبَابِ، وَ هُمَا مُتَقَارِبَانِ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۴۱۳)؛ این روایت از روی تقیه صادر شده است و راه و رسم اهل سنت است و عمل به آن لازم نیست. با مراجعه به سند آن درمی‌یابیم که نه تنها سرسلسله آن، بلکه تعدادی زیادی از راویان آن از عامه می‌باشند که بعضاً سابقه مثبتی در نقل روایات ندارند.

در رأس سلسله سند این روایت، ابوهریره واقع شده است. این راوی در میان شیعیان شخصیتی غیرموثق و غیرامامی محسوب می‌شود که روایات او فاقد اعتبار می‌باشد و در منابع مختلف نسبت به افکار و روایات او انتقادات فراوانی شده است.

در روایت دیگری، شیخ حر عاملی (ره) با بهره‌گیری از روش شیخ طوسی (ره) روایتی را حمل بر تقیه کرده است که بدان اشاره می‌شود:

«وَيَسْتَدِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي الْجَوْزَاءِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: الرَّضْعَةُ الْوَاحِدَةُ كَأَلْمَائَةِ رَضْعَةٍ لَا تَحِلُّ لَهُ أُبْدًا» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۰، ص ۳۷۴)؛ «یک بار شیر دادن همانند صد بار شیر دادن است و او را تا ابد حلال نمی‌کند».

در این روایت از امیر مؤمنان (ع) نقل شده است که یک بار شیردهی همانند صدبار شیر دادن است و موجب محرمیت نمی‌شود. شیخ در توضیح این روایت اشاره می‌کند: «حَمَلَةُ الشَّيْخِ عَلَيَّ مَا تَقَدَّمَ فِي حَدِيثِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، وَ اَشْتَشَّهَدَ لِلتَّقِيَةِ بِكَوْنِ طَرِيقِهِ رِجَالَ الْعَامَّةِ وَ الرَّيْدِيَّةِ، وَ يَحْتَمِلُ الْكِرَاهَةَ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۰، ص ۳۷۴)؛ «شیخ آن را حمل بر آنچه در حدیث علی بن مهزیار گذشت کرده و برای تقیه شاهد آورده که طریق آن، رجال عامه و زیدیه هستند، و احتمال کراهت نیز می‌رود».

مرحوم عاملی (ره) با پیروی از شیخ طوسی (ره) می‌گوید این روایت از روی تقیه صادر شده است؛ چراکه در راویان آن افراد عامه و زیدیه هستند و این خود بهترین دلیل برای تقیه‌ای بودن روایت است. هرچند احتمال دارد این روایت دال بر کراهت هم باشد.

روایت دیگری که ایشان با بهره‌برداری از روش شیخ طوسی (ره) در تهذیب آن را حمل بر تقیه می‌کند:

«وَ عَنْهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فِي نَضْرَانِي اخْتَارَتْ زَوْجَتُهُ الْإِسْلَامَ وَ دَارَ الْهَجْرَةِ أَنَّهَا فِي دَارِ الْإِسْلَامِ لَا تُخْرَجُ مِنْهَا وَ أَنَّ بُضْعَهَا فِي يَدِ زَوْجِهَا النَّضْرَانِي وَ أَنَّهَا لَا تَرْتُهُ وَ لَا يَرْتُهَا» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۷، ص ۱۱۷)؛ «امام صادق (ع) فرمود: امیر مؤمنان (ع) درباره مرد نصرانی که همسرش اسلام آورده و به سرزمین هجرت رفته بود چنین داوری کرد که او در سرزمین اسلام است و از آنجا بیرون برده نمی‌شود، و آمیزش با او در اختیار شوهر نصرانی اش است، و او از شوهر ارث نمی‌برد و شوهر نیز از او ارث نمی‌برد».

در این روایت، شیخ حر(ره) به نقل از شیخ طوسی(ره) می‌گوید: «الَّذِي قَدَّمَاهُ عَنْ أُمِّي الصَّيْرَفِيِّ مُوَافِقَانِ لِلْعَامَّةِ عَلَى مَا يَزُورُهُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) وَرِجَالِهِمَا رِجَالُ الْعَامَّةِ، وَ مَا هَذَا حُكْمُهُ يُحْمَلُ عَلَى التَّقِيَّةِ وَلَا يُؤْخَذُ بِهِ إِذَا كَانَ مُخَالَفًا لِلْأَخْبَارِ كُلِّهَا» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۷، ص ۱۸). در این روایت هم ایشان قائل به تقیه شده‌اند، چراکه رجال حدیثی این روایت از افراد عامه و موافق مذهب عامه است.

در سلسله‌سند این روایات، عبدالرحمن بن ابی‌عبدالله بصری قرار دارد که در رجال عامه با عنوان عبدالرحمن بن میمون معروف شده است. در واقع نام ابی‌عبدالله، میمون بوده است (کشی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۱).

«وَيَأْتِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ وَعَمْرُو بْنُ عُثْمَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ وَصَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْخَلْبِيِّ كُلِّهِمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: فِي الْأَخْوَاتِ مَعَ الْجَدِّ إِنَّ لَهِنَّ فَرِيضَتَهُنَّ، إِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ، وَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَلَهُمَا التُّلُثَانِ، وَ مَا يَقِي فَلِلْجَدِّ. أَقُولُ: يَأْتِي وَجْهَهُ، وَ أَنَّهُ تَقِيَّةٌ. وَ يَأْتِيهِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ مِثْلَهُ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۶، ص ۱۶۹)؛ «در باره خواهران با جد، فرمود: سهم آنان به آنان داده می‌شود؛ اگر یک خواهر باشد، نصف برای اوست، و اگر دو یا بیشتر باشند، دو سوم برای آنان است، و آنچه باقی ماند از آن جد است. می‌گویم: وجه آن می‌آید و آن تقیه است».

شیخ حر عاملی(ره) این روایت را تقیه‌ای می‌داند، چراکه در سند آن احمد بن محمد بن عیسی و حسین بن سعید هستند که ایشان از عامه‌اند؛ لذا چون سرسلسله راویان اهل سنت می‌باشد، تقیه‌ای بودن این روایت برای ایشان محرز است.

به‌طور کلی، روش ابتدایی شیخ حر عاملی(ره) در شناخت احادیث تقیه‌ای، همان روش شیخ طوسی(ره) است که با رجوع به سند، اگر سرسلسله سند عامی یا زیدی بود، آن را حمل بر تقیه کرده است. این در صورتی است که امام معصوم(ع) این قدرت را داشته باشد که روایت را بر امامی مذهب نقل کند.

۲-۱-۲. متنی

یکی دیگر از راه‌های شناخت احادیث تقیه‌ای، وجود قرائن متنی در خود روایت است. شیخ حر عاملی(ره) نیز با بهره‌جستن از این قرائن، روشی را برای شناسایی

روایات تقیه‌ای در پیش گرفته است که خود به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شود. وجود تعبیری در خود متن که دلالت بر تقیه کند و مکاتبه‌ای بودن روایات، از قرائن درون متنی شناخت روایات است که بدان اشاره می‌کنیم:

۱-۲-۱. وجود عبارات‌های دال بر تقیه در متن

شناخت روایات تقیه به کمک قرینه‌های داخل متنی، بهترین روش توجه به تعبیر خود امام معصوم (ع) در متن روایات است. به عبارت دیگر، در میان روایات صادرشده از معصومین (ع)، روایاتی وجود دارد که در خود متن آن‌ها عبارات‌هایی آمده است که نشان از تقیه‌ای بودن حدیث دارد. در این نوع احادیث، امام معصوم (ع) در واقع با عباراتی، تقیه‌ای بودن حدیث را به نوعی گوشزد می‌کند. شیخ حر (ره) نیز با استفاده از این عبارات‌ها و ممارست در علم حدیث، این ظرافت‌ها را کشف کرده و بدان اشاره می‌کند. روایت ذیل یک نمونه است که در خود حدیث به تقیه‌ای بودن آن اشاره شده است:

«وَعَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَعْدِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنِّي نَازِلٌ فِي بَنِي عَدِيٍّ - وَ مَوْلِدُهُمْ وَإِمَامُهُمْ وَ جَمِيعُ أَهْلِ الْمَسْجِدِ عُثْمَانِيَّةٌ - يَبْرُؤُونَ مِنْكَ وَ مِنْ شَيْعَتِكَ وَ أَنَا نَازِلٌ فِيهِمْ فَمَا تَرَى فِي الصَّلَاةِ خَلْفَ الْإِمَامِ؟ فَقَالَ (ع) صَلِّ خَلْفَهُ. قَالَ: وَ احْتَسِبْ بِمَا تَسْمَعُ. وَ لَوْ قَدِمْتُ الْبَصْرَةَ لَقَدْ سَأَلْتُ الْفَضِيلَ بْنَ يَسَارٍ - وَ أَخْبَرْتَهُ بِمَا أَفْتَيْتَكَ فَتَأْخُذُ بِقَوْلِ الْفَضِيلِ وَ تَدْعُ قَوْلِي. قَالَ عَلِيٌّ: فَقَدِمْتُ الْبَصْرَةَ فَأَخْبَرْتُ فَضِيلًا بِمَا قَالَ، فَقَالَ: هُوَ أَغْلَمُ بِمَا قَالَ، وَ لِكَيْ قَدْ سَمِعْتُهُ وَ سَمِعْتُ أَبَاهُ يَقُولَانِ: لَا تَعْتَدْ بِالصَّلَاةِ خَلْفَ النَّاصِبِ - وَ أَفْرَأُ لِنَفْسِكَ كَأَنَّكَ وَ خَدَّكَ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۱۰)؛ «علی بن سعد بصری از امام صادق (ع) نقل می‌کند: وارد قوم بنی عدی شدم. دریافتم مؤذن، امام جماعت و اهل مسجد همگی پیروان عثمان بوده‌اند و از شیعیان برائت می‌جستند. حکم نماز خواندن پشت سر چنین امامی را چه می‌دانید؟ امام فرمودند: پشت سر او نماز بگذار و بدان عمل کن، ولی هرگاه به بصره رسیدی، فضیل بن یسار را از این فتوا باخبر کن و سخن مرا کنار بگذار. راوی می‌گوید: به بصره که رسیدم، فضیل را از آن باخبر ساختم. فضیل گفت: امام به آنچه فرموده داناتر است، ولی من از او و پدرش شنیدم که می‌فرمودند: به نماز پشت سر ناصبی اعتنا نکن و خودت قرائت را به جا بیاور، گویا که تنها نماز

می‌خوانی».

شیخ در توضیح و تبیین این روایت می‌گوید این روایت از روی تقیه صادر شده است، چراکه صدر روایت اشاره به تقیه‌ای صادر شدن روایت دارد.

گاهی امام (ع) با اشاره‌ای سریع، تقیه‌ای بودن حدیث را برای مخاطب نمایان می‌کند. این اشاره ممکن است به صورت نهی از پرسش یا گفتن جوابی غیرمنطبق با سؤال، خود را نمایان سازد؛ برای مثال زراره از امام صادق (ع) درباره میزان شیر خوردنی که باعث حرمت می‌شود سؤال می‌نماید (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۴۳۹؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۱۳) و امام می‌فرماید: «مَا أَتَبَتَ اللَّحْمَ وَ الدَّمَّ»؛ آن مقدار که باعث رویش گوشت و خون می‌شود.

زراره از مقدار آن می‌پرسد؛ امام پاسخ می‌دهد: «كَانَ يُقَالُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ»؛ گفته می‌شود ده مرتبه شیر خوردن.

زراره که بوی تقیه از این پاسخ استشمام می‌کند، باز می‌پرسد: آیا ده مرتبه باعث حرمت می‌شود؟

امام در جواب می‌فرماید: «دَعْ ذَا»؛ این سؤال را رها کن.

مشخص است که امام در این جا در دو مورد به تقیه‌ای بودن پاسخ خود اشاره می‌کند: اول در آنجا که می‌گوید: «كَانَ يُقَالُ» و دوم، در جایی که از پرسش نهی می‌کند. با توجه به مواردی از این قبیل می‌توان تقیه‌ای بودن حدیث را تشخیص داد. در این روایت و روایاتی از این دست، در متن خود واژگانی جای داده شده است که صادر شدن حدیث را بر خلاف عقیده و مذهب گوشزد می‌کند.

۲-۲-۱-۲. مکاتبه‌ای بودن روایت

عالمان و حدیث پژوهان در احادیث مکاتبه‌ای، احتمال تقیه را بیشتر از سایر روایات دانسته‌اند.

شیخ حر عاملی (ره) نیز یکی از راه‌های شناخت احادیث تقیه‌ای را وجود قرینه درون متنی و مکاتبه‌ای بودن آن می‌داند. این طور برداشت می‌شود که ایشان در مواردی که احادیث مکاتبه‌ای بوده‌اند، آن‌ها را حمل بر تقیه کرده است. به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

«وَعَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ كَيْسَانَ الصَّنَعَانِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّلَاثِ (ع) أَسْأَلُهُ عَنِ السُّجُودِ عَلَى الْفُظْنِ وَالْكَثَّانِ مِنْ غَيْرِ تَقِيَّةٍ وَلَا ضَرُورَةٍ، فَكَتَبَ إِلَيَّ: ذَلِكَ جَائِزٌ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۳۴۸)؛ «علی بن کیسان می‌گوید: نامه‌ای به امام هادی (ع) نوشتم و از ایشان پرسیدم: آیا در جایی که تقیه‌ای نیست و ضرورتی وجود ندارد، سجده بر کتان و پنبه جایز است؟ امام در پاسخ نوشتند: این کار جایز می‌باشد».

شیخ حر عاملی (ره) در تبیین این روایت می‌گوید: «حَمَلُهُ الشَّيْخُ عَلَيَّ ضَرُورَةً تَبْلُغُ هَلَاكَ النَّفْسِ، وَإِنْ كَانَ هُنَاكَ ضَرُورَةٌ دُونَهَا انْتَهَى. وَيُمْكِنُ حَمَلُهُ عَلَيَّ التَّقِيَّةِ أَيْضًا، لِأَنَّ مُرَاعَاتَهَا هُنَا مَعَ قُوَّتِهَا يُوجِبُ مُوَافَقَتَهَا فِي الْفُتُوَى، وَإِنْ اشْتَرَطَ السَّائِلُ نَفْيَ التَّقِيَّةِ لِيَعْمَلَ بِهَا السَّائِلُ وَتُنْتَفَى عَنْهُ الْمَفْسَدَةُ وَعَنِ الشَّيْعَةِ، ثُمَّ يُعْلَمُ كَوْنُ الْفُتُوَى لِلتَّقِيَّةِ بِظُهُورِ الْمُعَارِضِ الرَّاجِحِ وَ مُوَافَقَتِهَا لِلتَّقِيَّةِ وَ التَّصْرِيحِ بِهَا فِي حَدِيثِ آخَرَ، كَمَا يَأْتِي هُنَا، وَ يَحْتَمِلُ الْحَمْلُ عَلَيَّ مَا قَبْلَ الْعَزْلِ لِمَا مَرَّ، وَ اللَّهُ أَعْلَمُ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۳۴۸).

یکی از روش‌های شیخ حر عاملی (ره) در تقیه‌انگاری روایات، حمل روایات مکاتبه‌ای بر تقیه می‌باشد، به طوری که روایاتی که به وسیله نامه بیان شده است را حمل بر تقیه می‌کند که روایت ذکر شده از آن دست است.

احادیث مکاتبه‌ای بیشتر در زمانی که ائمه (ع) در زندان بودند، مثل امام موسی کاظم (ع) و در مزیقه از جهت ظلم و جور جبارانه عصر خود بودند، مثل امام عسکری (ع) یا از منطقه دور بودند، مثل امام رضا (ع)، معمولاً از این ائمه روایات مکاتبه‌ای رسیده است. اما خصوصیت دیگر مکاتبه این است که در مکاتبه، یک احتمال در جهت صدور تقیه‌ای وجود دارد؛ چون روایتی که مکاتبه‌ای است، احتمال تقیه در آن وجود دارد. زیرا نوشته بیرون می‌رود و دنیا پر از اعدا و مخالفان و ظلمه بوده است؛ در مکاتبه ممکن است جنبه تقیه رعایت شده باشد.

۲-۲. قرائن خارجی

روش شیخ حر عاملی (ره) در شناسایی روایات تقیه‌ای به دو مرحله تقسیم شد که مرحله اول همان قرائن داخلی است که توضیح آن گذشت. در این بخش به

مرحله و روش دیگری اشاره می‌کنیم که ایشان با کمک آن توانسته است احادیث تقیه‌ای را از غیر آن تشخیص دهد. قرائن خارجی که شیخ از آن‌ها بهره‌برداری کرده است عبارت‌اند از: موافقت یک روایت با عامه، مخالفت با قرآن، مخالفت با اجماع شیعه، مخالفت با ضروری مذهب و تصریح امام معصوم دیگر به تقیه‌ای بودن آن.

۲-۱. موافقت با عامه

با توجه به فضای اختناق و در اختیار بودن حکومت‌ها در دست اهل سنت، امامان معصوم (ع) برای حفظ دین و جان شیعیان، روایات را گاه موافق عامه بیان می‌کردند تا از گزند سلاطین در امان باشند. این مهم در کلام ائمه معصومین (ع) نیز آمده است. برای نمونه امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَا سَمِعْتَهُ مِنِّي يُشْبِهُ قَوْلَ النَّاسِ فِيهِ التَّقِيَّةُ، وَ مَا سَمِعْت مِنِّي لَا يُشْبِهُ قَوْلَ النَّاسِ فَلَا تَقِيَّةَ فِيهِ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۲، ص ۲۸۵)؛ «سخنی را که از من می‌شنوی و موافق کلام اهل سنت است، در آن کلام تقیه است و اگر شباهتی با قول آن‌ها ندارد، در آن تقیه نیست».

برای نمونه و آشنایی بیشتر، مثال‌هایی را بیان می‌کنیم که شیخ حر عاملی (ره) در تبیین آن‌ها به موافقت با عامه اشاره کرده است.

علی بن رئاب می‌گوید از امام صادق (ع) سؤال کردم: «الَّذَانِ مِنَ الرَّأْسِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: فَإِذَا مَسَحْتَ رَأْسِي مَسَحْتَ أَدْنِي؟ قَالَ: نَعَمْ، كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى أَبِي وَ فِي عُنُقِهِ عُنُقَةٌ، وَ كَانَ يَخْفِي رَأْسَهُ إِذَا جَرَّهُ، كَأَنِّي أَنْظُرُ وَ الْمَاءُ يَنْحَدِرُ عَلَى عُنُقِهِ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۰۵)؛ «آیا دو گوش جزو سر محسوب می‌شوند؟ فرمود: آری. گفتم: پس وقتی سرم را مسح می‌کنم، گوش‌هایم را هم مسح کنم؟ فرمود: آری، گویا من به پدرم می‌نگرم که در گردش چین بود و هرگاه موی سرش را می‌زد، آن را کوتاه می‌کرد، گویا می‌نگرم که آب بر گردش سرازیر می‌شد».

شیخ حر عاملی (ره) در توضیح این روایت می‌گوید: «قَالَ الشَّيْخُ: هَذَا مَحْمُولٌ عَلَى التَّقِيَّةِ لِأَنَّهُ مُوَافِقٌ لِلْعَامَّةِ وَ مُتَّافٍ لظَاهِرِ الْقُرْآنِ، وَ حَمَلَهُ صَاحِبُ الْمُنتَقَى أَيْضاً عَلَى التَّقِيَّةِ. أَقُولُ: وَ لَا تَصْرِيحٌ فِيهِ بِالْوُضُوءِ، فَلَعَلَّ السُّؤَالَ عَنِ الْعُغْسِلِ، وَ الْمُرَادُ بِالْمَسْحِ إِمْرًاؤُا أَيْدِي عَلَى الْجَسَدِ بَعْدَ صَبِّ الْمَاءِ بِقَرِينَةِ قَوْلِهِ: وَ الْمَاءُ يَنْحَدِرُ عَلَى عُنُقِهِ، وَ يَحْتَمِلُ كَوْنَ السُّؤَالَ عَنِ مَسْحِ الرَّأْسِ الْمُسْتَحَبِّ بَعْدَ الْحَلْقِ بِقَرِينَةِ قَوْلِهِ: وَ كَانَ يَخْفِي

رَأْسُهُ إِذَا جَزَّهٗ، وَ اللَّهُ أَعْلَمُ؛ شیخ حر می‌گوید اگر در این جا سؤال از وضو باشد، من هم با شیخ طوسی هم عقیده هستم، چراکه مسح گوش‌ها در وضو موافق عامه است و منافات با ظاهر آیات قرآن دارد و قطعاً این روایت از روی تقیه صادر شده است؛ اما احتمال دارد که سؤال از وضو نباشد (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۰۵).

شیخ حر (ره) در جای دیگر روایتی را مطرح می‌کند و آن را حمل بر تقیه کرده است. علی بن حسین از امام صادق (ع) سؤال می‌کند اگر آدمی در پوست مردار شیر، آب یا روغن نگهداری کند، اشکال دارد؟ امام می‌فرماید اشکالی ندارد. هر چه خواست در آن‌ها نگه دارد، حتی از آب آن بنوشد و وضو بگیرد، لکن بر آن پوست نماز نگذارد.

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: سُئِلَ الصَّادِقُ (ع) عَنْ جُلُودِ الْمَيْتَةِ يُجْعَلُ فِيهَا اللَّبَنُ وَ الْمَاءُ وَ السَّمْنُ مَا تَرَى فِيهِ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ تَجْعَلَ فِيهَا مَا شِئْتَ مِنْ مَاءٍ أَوْ لَبَنٍ أَوْ سَمْنٍ وَ تَتَوَضَّأُ مِنْهُ وَ تَشْرَبُ، وَ لَكِنْ لَا تُصَلِّ فِيهَا» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۶۳)؛ «از امام صادق (ع) درباره پوست‌های مردار پرسیده شد که در آن‌ها شیر، آب و روغن می‌ریزند، نظر شما چیست؟ فرمود: اشکالی ندارد که در آن‌ها هر چه خواهی از آب یا شیر یا روغن بریزی و از آن وضو بگیری و بنوشی، ولی در آن‌ها نماز مگذار.»

شیخ حر (ره) در تقیه‌ای بودن آن می‌گوید این روایت باید حمل شود بر تقیه، چراکه حکم موجود در آن موافق مذهب اهل سنت می‌باشد (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۶۳).

«وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّقَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ زَكْرِيَّا بْنِ يَحْيَى الْكِنْدِيِّ الرَّقِّيِّ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِذَا طُلِبَ الْهَلَالُ فِي الْمَشْرِقِ عُذْوَةٌ فَلَمْ يَرَ، فَهُوَ هَاهُنَا هَلَالٌ جَدِيدٌ، رُبِّي أَوْ لَمْ يَرَ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۲۸۲)؛ «هرگاه هلال ماه در مشرق در بامداد طلبیده شد و دیده نشد، پس در اینجا ماه نو است، خواه دیده شود خواه نشود.»

در این روایت داود رقی از امام صادق (ع) نقل می‌کند زمانی که هلال ماه در مشرق باید باشد اما او را ندید، افطار کند، خواه ماه را ببیند خواه نبیند.

شیخ در توضیح این روایت می‌گوید: «أَقُولُ: هَذَا مَحْمُولٌ عَلَى الْغَالِبِ أَوْ عَلَى التَّقِيَةِ لِأَنَّهُ مُوَافِقٌ لِرَوَايَاتِ الْعَامَّةِ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۲۸۲).

شیخ برای توضیح روایات تقیه‌ای از عبارات گوناگونی بهره برده است؛ «موافق لروایات العامه»، «موافق لجمع العامه»، «موافق العامه»، «موافق المذهب العامه» از آن موارد است.

۲-۲-۲. مخالفت با قرآن

شیخ حر(ره) در ادامه راهکارهای شناخت احادیث تقیه‌ای، به قرینه مخالفت با قرآن تمسک جسته است. بی شک ائمه معصومین (ع) به عنوان مفسران واقعی قرآن، هیچ گفتار یا عملی را مخالف قرآن انجام نمی‌دهند؛ همان‌طور که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: «أَنَّهُمْ قَالُوا إِذَا جَاءَكُمْ عَنَّا حَدِيثٌ فَأَعْرِضُوهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ - فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَهُ فَاطْرَحُوهُ أَوْ رُدُّوهُ إِلَيْنَا» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۰، ص ۴۶۳)؛ «هرگاه حدیثی از ما به شما رسید، آن را بر کتاب خدا عرضه کنید؛ آنچه با کتاب خدا موافق بود بگیرید و آنچه مخالف بود دور بیندازید یا به ما بازگردانید».

ایشان این نکته را به خوبی دریافته بودند که ائمه معصومین (ع) نمی‌توانند فعل یا حدیثی از خود صادر کنند که مخالف با قرآن باشد، مگر آنکه از روی تقیه صادر شده باشد؛ لذا شیخ حر(ره) هر آنچه از روایات را که مخالف با قرآن است بر تقیه حمل می‌کند.

از این رو نمونه‌هایی از این کتاب را ذکر می‌کنیم:

۱. حماد بن عثمان از امام صادق (ع) روایت می‌کند: «الْأُمُّ وَالْبِنْتُ سَوَاءٌ إِذَا لَمْ يُدْخَلَ بِهَا يَغْنَى إِذَا تَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يُدْخَلَ بِهَا فَإِنَّهُ إِنْ شَاءَ تَزَوَّجَ أُمَّهَا وَإِنْ شَاءَ ابْنَتَهَا»؛ «مادر و دختر هرگاه با آن‌ها نزدیکی نشده باشد، یکسان‌اند؛ یعنی اگر با زنی ازدواج کند سپس پیش از آمیزش او را طلاق دهد، اگر بخواهد می‌تواند با مادر آن زن ازدواج کند و اگر بخواهد با دخترش».

شیخ حر(ره) در توضیح و حمل آن بر تقیه به گفته شیخ طوسی استدلال کرده است و می‌گوید این روایت مخالف قرآن است و جایز نیست بدان عمل کرد.

واضح است این معنا از حدیث که می‌تواند دختر را طلاق دهد و مادر را به همسری بگیرد، مخالف صریح قرآن است که می‌فرماید: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ ... وَ أُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ﴾ (نساء/ ۲۳)؛ که ازدواج با مادر زن را بدون قید و شرط

حرام می‌داند.

۲. روایت دیگر از ابن عباس از پیامبر (ص) است که فرمود: «الْحِقُوا بِالْأَمْوَالِ الْفَرَائِضَ فَمَا أَبْقَتِ الْفَرَائِضُ فَلِأُولَىٰ عَصَبَةٍ ذَكَرَ»؛ «سهام مشخص شده در ارث را به اموال ملحق کنید (بپردازید)، آنچه از سهام باقی ماند برای نزدیک‌ترین مرد فامیل (عصبه) است» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۶، ص ۸۷).

«أَقُولُ: قَدْ عَرَفْتُ أَنَّهُ مِنْ رَوَايَاتِ الْعَامَّةِ، وَ أَنَّهُمْ أَنْكَرُوهُ، وَ أَنَّهُ مُخَالِفٌ لِلْقُرْآنِ، وَ يَحْتَمِلُ الْحُمْلَ عَلَىٰ كَوْنِهِ مَنْسُوخًا، وَ عَلَىٰ كَوْنِهِ مَخْصُوصًا بِبَعْضِ الصُّورِ كَمِيرَاثِ الدِّيَةِ عَلَىٰ مَا مَرَّ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۶، ص ۸۷).

شیخ حر (ره) می‌گوید: روایت ابن عباس مخالف با قرآن است و لذا جایز نیست تا بدان عمل کنیم.

واضح است منظور از مخالفت با قرآن از منظر شیخ، آیات زیر است: آیه ۷ سوره نساء: ﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا﴾؛ و همچنین آیه ۱۷۶ سوره نساء و آیه ۶ سوره احزاب.

۳. شیخ حر (ره) روایت دیگری نقل می‌کند و به خاطر مخالفت با قرآن می‌گوید از روی تقیه صادر شده است:

«وَإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْعَبْدِ إِذَا افْتَرَىٰ عَلَىٰ الْخُرِّ كَمْ يُجْلَدُ؟ قَالَ: أَرْبَعِينَ. وَ قَالَ: إِذَا أَتَىٰ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِ نِصْفُ الْعَذَابِ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۸، ص ۱۸۳)؛ «قاسم بن سلیمان نقل می‌کند: از امام صادق (ع) سؤال شد درباره بنده‌ای که به انسان آزاد تهمت زنا یا لواط می‌زند، چند ضربه شلاق زده می‌شود؟ امام فرمود: چهل عدد. و فرمود: هرگاه کار ناپسندی انجام دهد، نصف آن مجازات بر او مترتب است».

«قَالَ الشَّيْخُ: إِنَّ هَذَا خَبَرٌ شَاذٌ مُخَالِفٌ لِظَاهِرِ الْقُرْآنِ وَالْأَخْبَارِ الْكَثِيرَةِ. أَقُولُ: يُمَكِّنُ حَمْلَهُ عَلَىٰ التَّقِيَةِ وَ عَلَىٰ التَّعْرِيفِ دُونَ التَّضَرِيحِ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۸، ص ۱۸۳). شیخ حر (ره) می‌گوید این خبر تقیه‌ای صادر شده است و با استناد به شیخ صدوق آن را شاذ و مخالف آیات و روایات می‌داند.

به هر حال، روش علمای حدیث بر شناخت احادیث تقیه‌ای بر مبنای مخالفت آن روایت با قرآن بوده است. شیخ حر عاملی (ره) نیز با پیروی از سالکان حدیث، بر این مهم اهتمام داشته است و روایاتی که برخلاف آیات می‌باشد را حمل بر تقیه می‌کند.

۲-۲-۳. تصریح معصوم در بیان دیگر

یکی دیگر از قرائن خارجی در شناخت تقیه، تصریح معصوم (ع) در بیان دیگر است. بدین معنا که شیخ حر (ره) در شناخت روایت تقیه‌ای از روایات دیگر و تصریحات معصومین (ع) در همان موضوع کمک گرفته است. با مقایسه آن‌ها با یکدیگر به این نتیجه می‌رسد که یکی از آن‌ها بر اساس تقیه صادر شده است. از این رو مثال‌هایی را جهت آشنایی با سبک ایشان در کتاب وسائل الشیعه انتخاب کرده‌ایم که در ادامه ذکر می‌کنیم:

محدث عاملی (ره) در این کتاب در باب استحباب وضو پیش از غسل به غیر از غسل جنابت، روایاتی را ذکر می‌کند که با تصریح روایت دیگر، بر تقیه‌ای بودن دو روایت پی می‌برد. نخستین روایتی که ذکر می‌کنند: «عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: كُلُّ غُسْلٍ قَبْلَهُ وَضُوءٌ إِلَّا غُسْلَ الْجَنَابَةِ»؛ «پیش از هر غسلی می‌توان وضو گرفت، به غیر از غسل جنابت». در این روایت، امام معصوم (ع) تصریح بر استحباب وضو در هر غسلی را غیر از غسل جنابت دارند.

اما در ادامه دو روایت مطرح می‌شود که برخلاف روایت اول است:

۱. «عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: فِي كُلِّ غُسْلٍ وَضُوءٌ إِلَّا الْجَنَابَةَ»؛ «در هر غسلی وضو بگیر، جز غسل جنابت». امام معصوم (ع) در این روایت تأکید می‌کنند که با هر غسلی باید وضو گرفته شود، الا غسل جنابت.

۲. و در روایت دیگر امام معصوم (ع) می‌فرمایند: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ (ع) قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَغْتَسِلَ لِلْجُمُعَةِ فَتَوَضَّأْ وَ اغْتَسِلْ»؛ «هرگاه خواستی غسل جمعه به جا آوری، وضو بگیر و غسل کن». در این روایت امام می‌فرمایند اگر قصد غسل جمعه کردی، واجب است وضو بگیری.

شیخ حر (ره) در جمع‌بندی این روایات می‌گوید: «هَذَا مِنَ الْحَدِيثَيْنِ مَعَ مُوَافَقَتِهِمَا لِلتَّقِيَةِ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۴۸). محدث عاملی (ره) می‌گوید روایات حماد بن

عثمان و علی بن یقظین حمل بر تقیه است، چراکه در این دو روایت برخلاف تصریح امام در روایت ابن ابی عمیر بر وجوب غسل حکم شده است، درحالی که ابن ابی عمیر نقل می‌کند که امام فرموده برای هر غسلی می‌توان وضو گرفت، الا غسل جنابت که نباید برای آن وضو گرفت.

در این سه روایت، شیخ حر(ره) با تصریح روایت نخست، دو روایت دیگر که بر خلاف آن حکم شده بود را حمل بر تقیه می‌کند؛ چراکه تصریحات گوناگونی از امامان معصوم(ع) آمده است که غسل با وضو مستحب است و فقط در غسل جنابت اجازه داده نشده است، درحالی که در روایت دوم و سوم حکم به وجوب وضو همراه با غسل غیر جنابت داده شده است.

۲-۲-۴. مخالفت با اجماع

یکی از روش‌های دیگر مرحوم عاملی(ره) در کتاب وسائل الشیعه در بحث شناسایی روایات تقیه‌ای این است که اگر روایتی مخالف با اجماع علمای شیعه بود، قرینه‌ای است مبنی بر اینکه این روایت از روی تقیه صادر شده است. بر واضح است منظور از اجماع در این بحث، عمل نکردن تمامی علمای شیعه بر یک روایت می‌باشد. شیخ حر عاملی(ره) با تاسی از اجماع، روایاتی که مخالف با آن باشد را تقیه‌ای می‌داند و به آن حکم نمی‌کند.

از این رو نمونه‌ای از این کتاب ذکر می‌کنیم تا به تبیین آن کمکی شده باشد: «بِإِسْنَادٍ عَنْ رُزَاةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قُلْتُ: امْرَأَةٌ تَرَكَتْ زَوْجَهَا وَأُمُّهَا وَإِخْوَةَ لَأُمِّهَا وَإِخْوَةَ لِأَبِيهَا وَأُمُّهَا، فَقَالَ: لِرُؤُوسِهَا النَّصْفُ، وَلِأُمِّهَا السُّدُسُ، وَ لِإِخْوَتِهَا مِنَ الْأُمِّ الثُّلُثُ، وَ سَقَطَ الْإِخْوَةُ مِنَ الْأَبِ وَالْأُمَّ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۶، ص ۱۵۰)؛ «زراره از امام صادق(ع) نقل می‌کند: به امام عرض کردم زنی که فوت کند و شوهر، مادر، برادران مادری و برادران پدری و مادری اش را بر جای گذارد، [چگونه ارث می‌برند]؟ امام فرمود: برای شوهرش نصف ارث می‌رسد، برای مادرش یک ششم، برای برادران مادری یک سوم، و برادران پدری و مادری چیزی نمی‌برند».

شیخ در توضیح این روایت می‌فرماید: «أَقُولُ: حَمَلَهُ الشَّيْخُ عَلَى التَّقِيَةِ، وَ ذَكَرَ أَنَّهُ مُخَالَفٌ لِإِجْمَاعِ الظَّائِفَةِ، وَ جَوَّزَ حَمَلَهُ عَلَى أَنَّهُ يَجُوزُ لَنَا أَنْ نَأْخُذَ مِنْهُمْ عَلَى مَذَاهِبِهِمْ

عَلَى مَا يُعْتَقِدُونَهُ لِمَا مَضَى؛ شیخ حر عاملی (ره) در تبیین این روایت نظر شیخ طوسی را پذیرفته است و می‌گوید این روایت حمل بر تقیه می‌شود، چراکه مخالف با اجماع طایفه‌ای از علمای شیعه است.

این روایت بر خلاف اجماع اصحاب شیعه است؛ چراکه ارث بردن برادران و خواهران با وجود مادر، امری خلاف اجماع است.

در روایتی دیگر، ایشان تقیه‌ای بودن روایت را باز هم بر اساس مخالفت با اجماع علمای شیعه ثابت می‌کند:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: الْجَدُّ بِمَنْزِلَةِ الْأَبِّ، لَيْسَ لِلْإِخْوَةِ مَعَهُ شَيْءٌ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۶، ص ۱۶۲).

در این روایت، حضرت امام صادق (ع) می‌فرمایند: جد به منزله پدر است و اگر جد همراه برادر باشد، برای برادر ارثی باقی نمی‌ماند.

شیخ حر (ره) در توضیح این روایت می‌گوید تقیه در آن مشهود است، چراکه مخالف با اجماع علمای شیعه می‌باشد و همچنین با بسیاری از اخبار متواتر مخالف است (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۶، ص ۱۶۲).

به طور کلی، شیخ حر (ره) هر روایتی را که قاطبه علمای شیعه بدان عمل نکرده‌اند یا بر خلاف آن اتفاق نظر داشته باشند، حمل بر تقیه کرده است. این سبکی است که شیخ طوسی (ره) نیز از آن استفاده می‌کرده است و هر روایتی را که بر خلاف اجماع شیعه بوده، حمل بر تقیه نموده و بدان عمل نکرده است.

۲-۲-۵. مخالفت با ضروری مذهب

شیعه در قطعیات کلامی خود دارای عقاید متمایزی همچون عصمت معصومین (ع)، عدالت و امامت می‌باشد که بدان شناخته شده است. این مهم در فقه نیز وجود دارد که از سالیانی دور به آن‌ها شناخته شده است؛ که می‌توانیم به متعه، مشروعیت حج تمتع، حرمت «آمین» گفتن بعد از حمد در نماز و... اشاره کرد که در صورت صدور حدیث از حضرات معصومین (ع) در تغایر با این موارد، باید حمل بر تقیه نمود.

پر واضح است که روایاتی که با ضروریات مذهب مخالف است، یا از سوی امام

معصوم (ع) صادر نشده یا اگر از معصوم بیان شده باشد، قطعاً حمل بر تقیه می‌شود. شیخ حر عاملی (ره) با درک این مهم، روایاتی که با ضروریات مذهب مخالفت دارد را حمل بر تقیه می‌کند. مراد از ضروری مذهب و دین هم، آن حکمی است که دلایل آن به‌گونه‌ای فراوان است که همگان از وجود این حکم اطلاع دارند (ربانی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲).

در ادامه مثال‌هایی از کتاب وسائل الشیعه ذکر می‌کنیم تا با راهکار ایشان در شناخت روایات تقیه‌ای بیشتر آشنا شویم: «عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ (ع) قَالَ: حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَوْمَ خَيْبَرَ لَحُومَ الْحُمْرِ الْأَهْلِيَّةِ وَ نِكَاحَ الْمُتَعَةِ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۱، ص ۱۲).

در این روایت، امیر مؤمنان (ع) می‌فرمایند: رسول گرامی اسلام (ص) در زمان جنگ خیبر، خوردن گوشت خرهای اهلی و نکاح متعه را حرام کردند.

شیخ حر (ره) در تقیه‌ای بودن روایت می‌گوید: اباحه متعه از ضروریات مذهب شیعه است؛ لذا چون این روایت با ضروریات مذهب مخالف است، قطعاً این روایت از روی تقیه صادر شده است. «أَقُولُ: حَمَلُهُ الشَّيْخُ وَ غَيْرُهُ عَلَى التَّقِيَةِ يَعْنِي فِي الرِّوَايَةِ، لِأَنَّ إِبَاحَةَ الْمُتَعَةِ مِنْ ضَرُورِيَّاتِ مَذْهَبِ الْإِمَامِيَّةِ، وَ تَقَدَّمَ مَا يُدَلُّ عَلَى ذَلِكَ، وَ يَأْتِي مَا يُدَلُّ عَلَيْهِ، وَ الْأَخِيرُ يَحْتَمِلُ النَّسْخَ وَ الْكِرَاهَةَ مَعَ الْمَفْسَدَةِ» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۱، ص ۱۲).

در این روایت، امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید در جنگ خیبر پیامبر گرامی اسلام (ص) حکم به حرمت نکاح متعه داده‌اند. این در حالی است که نکاح متعه از ضروریات مذهب تشیع می‌باشد و نمی‌تواند بازگوکننده مقصود امیر مؤمنان (ع) باشد، چراکه روایتی که با ضروریات مذهب منافات داشته باشد، قطعاً از روی تقیه صادر شده است.

شیخ حر (ره) در کتاب وسائل الشیعه هر جایی که روایتی مخالف با ضروریات دین باشد را حمل بر تقیه می‌کند؛ چراکه عقلانی نیست خود معصومین (ع) مسائلی را به‌عنوان ضروری دین معرفی کنند اما برخلاف آن مطلبی را بازگو کنند، مگر اینکه به خاطر تقیه و حفظ دین باشد.

نتیجه‌گیری

شیخ حر عاملی (ره) در کتاب وسائل الشیعه راهکارهایی جهت شناخت احادیث تقیه‌ای از میان انبوه روایات داشته است تا به وسیله آن‌ها بتواند به فهم صحیحی از روایات دست پیدا کند. ایشان با کمک همین دسته از قرائن توانسته است احادیثی که از سوی معصومین (ع) به صورت تقیه صادر شده است را شناسایی و به علاقه‌مندان این علم معرفی نماید.

روش شیخ بدین‌گونه بوده است: ابتدا سعی در کشف قرائن داخلی در امر تقیه داشته‌اند و به قرائن داخل روایت جهت شناسایی این دسته از روایات پناه جسته است که قرائن داخلی را به دو دسته سندی و متنی تقسیم‌بندی کرده است. ایشان در قرائن داخلی سندی، با تأسی از شیخ علمای سلف خویش، هر روایتی را که سرسلسله سند آن راوی اهل سنت یا زیدیه بوده است، به عنوان حدیث تقیه‌ای محسوب کرده است. با این توضیح که اگر روایتی صدورش از امام معصوم (ع) قطعی باشد ولی با اینکه می‌توانسته سرسلسله سند راوی امامی باشد، امام معصوم (ع) بر غیر امامی روایت کرده‌اند، این خود دلیلی بر تقیه‌ای بودن آن است. شیخ حر (ره) در مورد قرائن داخل متنی نیز به مکاتبه‌ای بودن روایت و وجود تعبیری دال بر تقیه تمسک جسته است.

مؤلف کتاب وسائل الشیعه پس از عدم نتیجه‌گیری در قرائن داخلی، از قرائن خارجی استفاده کرده است. ایشان روایاتی را که موافق اهل سنت، مخالف قرآن، مخالف اجماع علمای شیعه، مخالف ضروریات دین یا تصریح معصومین (ع) بر تقیه بوده است، به عنوان احادیث تقیه‌ای شمرده است و عمل به آن‌ها را لازم و مجزی نمی‌داند.

شیخ حر (ره) با ترسیم قرائن ذکر شده توانسته است راهکارهایی را پیش روی پژوهشگران حدیث قرار دهد تا با کمک این قرائن و راهکارها به شناسایی احادیث تقیه‌ای پردازند و فهم صحیحی از روایات کسب کنند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم. (۱۳۶۴ش). النهایه فی غریب الحدیث. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید. (۱۳۸۳ش). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی (ره).
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ق). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۰ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۵. احمد فتح‌الله. (۱۴۱۵ق). معجم ألفاظ الفقه الجعفری. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۶. اشتهاودی، علی. (۱۴۱۷ق). مدارک العروه. تهران: دار الأسوه.
۷. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۸. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۹ق). فرائد الأصول. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۹. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. پیشوایی، مهدی. (۱۳۸۷ش). سیمای پیشوایان. قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
۱۱. جوهری، اسماعیل. (۱۴۰۷ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحیاء التراث.
۱۳. خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۰۹ق). تحریر الوسیله. قم: دار الکتب العلمیه.
۱۴. خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۲ق). مصباح الأصول. قم: نشر داوری.
۱۵. دلبری، سید علی. (۱۳۹۱ش). آسیب‌شناسی فهم حدیث. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۶. دلبری، سید علی. (۱۳۸۶ش). مبانی رفع تعارض اخبار از دیدگاه شیخ طوسی (ره) در استبصار. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۷. دمیری، محمد. (۱۳۰۹ق). حیاة الحیوان الکبری. قاهره: مکتبه مصطفی‌البابی الحلبی.
۱۸. دینوری، ابن قتیبه. (۱۴۰۶ق). تأویل مختلف الحدیث. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار شامیه.
۲۰. ربانی، محمد حسن. (۱۳۸۳ش). اصول و قواعد فقه الحدیث. قم: بوستان کتاب قم.
۲۱. زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۶ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
۲۲. سبحانی، جعفر. (۱۴۱۵ق). المحصول فی علم الأصول. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۲۳. سیستانی، علی. (۱۴۱۴ق). الرافد فی علم الأصول. قم: مکتب آیت‌الله سیستانی.
۲۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، جلال‌الدین. (بی‌تا). الدر المنثور. بیروت: دار الفکر.
۲۵. شاکری، بلال. (بی‌تا). مروری بر نظریه تعصیب در فقه فریقین. بی‌جا.

۲۶. شهیدی، جعفر؛ معین، محمد؛ گروهی از نویسندگان؛ دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳ش). لغت نامه دهخدا. تهران: روزنه.
۲۷. صدر، محمدباقر. (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الأصول. قم: مرکز الغدیر.
۲۸. صدر، محمدباقر. (۱۴۱۰ق). دروس فی علم الأصول (الحلقه الثالثه). بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۶۱ش). معانی الأخبار. قم: جامعه مدرسین.
۳۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۶۲ش). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
۳۱. صفری فروشانی، نعمت‌الله. (۱۳۸۱ش). نقش تقیه در استنباط. قم: بوستان کتاب.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۳ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵ش). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۳ش). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۷ق). الفهرست. تحقیق: شیخ جواد قیومی. قم: جامعه مدرسین.
۳۷. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول). (۱۴۱۹ق). ذکر الشیعه فی أحكام الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۳۸. عاملی، حسین بن عبدالصمد. (۱۴۰۱ق). وصول الأخبار إلى أصول الأخبار. قم: مجمع الذخائر الإسلامیه.
۳۹. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول). (بی تا). القواعد و الفوائد. قم: کتاب فروشی مفید.
۴۰. فیومی، احمد. (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر (چاپ اول). قم: دار الهجره.
۴۱. کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). اختیار معرفه الرجال (رجال کشی). مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۴۴. معین، محمد. (۱۳۹۱ش). فرهنگ معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۵. مفید، محمد بن محمد. (۱۹۹۳م). تصحیح الاعتقاد (مصنفات الشیخ المفید، ج ۵). بیروت: دار المفید.
۴۶. نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۱۶ق). فهرست أسماء مصنفی الشیعه (رجال نجاشی). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۴۷. نجفی، محمد حسن. (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۸. نراقی، احمد. (۱۴۱۵ق). مستند الشیعه فی أحكام الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۴۹. نیشابوری، فضل بن شاذان. (۱۳۹۹ش). الإيضاح. تهران: دانشگاه تهران.
۵۰. پایگاه اینترنتی مدرسه فقاہت: www.eshia.ir
۵۱. آرشو تقریرات فقهی فقهای معاصر.